

جایگاه اجتماعی زنان در دوره ادریسیان

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۱۵

تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۰۹/۲۸

محمدرضا حیدری خراسانی*

چکیده

شکل گیری و شکست قیام بزرگ «فخ» علیه خلافت عباسی در بین مکه و مدینه در سال ۱۶۹ هجری، شکل گیری حکومت ادریسیان در مغرب را در پی داشت که حدود دو قرن ادامه یافت و در این مدت توانست مؤلفه‌های مختلفی از ماهیت و چهره تمدن اسلامی را در مرحله اجرا به ظهور و بروز برساند. با توجه به ثبت تاریخی دولت ادریسیان به عنوان اولین دولت شیعی و نقل محافل بودن بحث از جایگاه و اهمیت زن در عصر کنونی، تحلیل و بررسی وضعیت و نقش زنان در این دوره در عرصه‌های اقتصاد، سیاست، فکر و فرهنگ دارای اهمیتی دو چندان می‌باشد. نتایج این تحقیق می‌تواند رویکرد یک حکومت شیعه در قبال زنان و از طرف دیگر نقش آفرینی‌های مستقل زنان در دوره حکمرانی این حکومت را روشن سازد. این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی و با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای، محتوا و مصادیق متنوعی از جایگاه زنان در معماری، حکومت، نظام قدرت، مهندسی شهری، کارآفرینی و فعالیت اقتصادی زنان را استخراج و ارائه می‌کند.

واژه‌های کلیدی: ادریسیان، جایگاه اجتماعی، زنان، دولت شیعه، مغرب.

* دانشجوی کارشناسی ارشد رشته تاریخ اسلام، دانشگاه باقرالعلوم (ع).

مقدمه

زنان به دلیل نقش بی بدیلشان در شکل گیری کانون خانواده و تربیت فرزندان به عنوان نسل های آینده، جایگاه موثری در فرهنگ و تمدن اسلامی داشته و دارند. این مهم در اندیشه شیعی به دلیل نقش آفرینی زنان اسوه ای مانند حضرت خدیجه ع.ا.س.، حضرت فاطمه ع.ا.س. و حضرت زینب ع.ا.س. دارای اهمیت و جایگاه والاتری می باشد. در عصر حاضر به دلیل تحولات گسترده و پر مخاطره اجتماعی و فرهنگی در حوزه مطالعات اجتماعی زنان و اختلاف دیدگاه هایی که وجود دارد بررسی تجارب تاریخی دولت های شیعه می تواند چراغ راهی برای سیاستگذاران فرهنگی و اجتماعی بوده و ما را از آزمون و خطاهای متعدد برهانند. از جهتی دیگر با توجه به اهمیت و پرتکرار بودن مسئله زنان در جوامع متمدن و گره زدن آن با موضوع آزادی و حقوق بشر از سوی داعیه داران این شعارها، بازخوانی و بررسی جایگاه زنان در یک دولت شیعی، می تواند پیام های روشنگرانه و مستدلی از کارنامه شیعه در این موضوع ارائه دهد.

مطالعه درباره زنان درباری و عادی عصر ادرسیان، تنوع در موقعیت ها و عملکردهای زنان را نشان می دهد. در ارزیابی تاریخی زنان دوره ادرسی با تجزیه و تحلیل جایگاه اجتماعی آنها، می توان به ابعاد متنوعی از عملکرد و نقش آنها در این دوره دست یافت که شئون مختلفی از زندگی آنان شامل سیاست، فرهنگ و اقتصاد را در بر می گیرد، همچنین در نتیجه تحلیل داده های این دوره می توان به نحوه برخورد دیگران (به خصوص حاکمان ادرسی) با عنصر زن و موقعیت زنان در این دوره پی برد.

دولت ادرسیان به عنوان یکی از نخستین دولت های شیعه با عمری به نسبت طولانی دارای اهمیتی تاریخی در این خصوص بوده و نقد و بررسی موقعیت و عملکرد زنان در این دوره خواهد توانست میراث سترگ از تاریخ و فرهنگ اسلامی - شیعی را به نمایش بگذارد و همچنین بستر مناسبی برای شناخت فرصت ها و تهدیدها

در حوزه مطالعات اجتماعی-تاریخی زنان ایجاد کند. این تحقیق با تکیه بر منابع تاریخی و کتابخانه‌ای و مبتنی بر روش توصیفی-تحلیلی در پی پاسخ به این مسئله است که زنان در دولت ادیسیان دارای چه موقعیت و عملکردی در عرصه‌های مختلف اجتماعی بوده‌اند.

مفهوم شناسی تحقیق

جایگاه

در لغت به معنای مکان استقرار، مکان، مسکن و خانه است و در اصطلاح هر محلی است که در آنجا چیزی ثابت شود یا محلی که شامل چیزی باشد.^۱ منظور از جایگاه در این مقاله مفهومی مشتق از دو مصداق است، به این بیان که ما جایگاه زنان را از دو منظر بررسی می‌کنیم. اول، جایگاهی که دیگران در جامعه اسلامی برای عنصر زن قائل‌اند و رفتاری که دیگران با او در ابعاد چهارگانه فرهنگ، سیاست، علم و اقتصاد دارند را بررسی می‌کنیم؛ اما از نگاه دوم جایگاه اجتماعی زنان می‌تواند حاصل عملکرد، نقش و کنش اجتماعی خود آنان در عرصه فرهنگ، سیاست، علم و اقتصاد باشد و نوع زندگی و جایگاه اجتماعی آنان را شکل بدهد.

جایگاه اجتماعی

جایگاه اجتماعی یکی از مؤلفه‌هایی است که همه انسان‌ها به نحوی در طلب آن هستند، نظم اجتماعی براساس جایگاه اجتماعی انتسابی یا اکتسابی افراد مشخص می‌شود و بسیاری از تعارض‌های ارتباطی نتیجه نقض و بی‌توجهی به جایگاه اجتماعی پنداشته می‌شود.

۱. لغت‌نامه دهخدا.

جایگاه اجتماعی، مقام و موضعی است که یک فرد در یک جامعه و در زمانی معین اشغال می‌کند.^۱ این مقاله رویکردی کلی و باز به جایگاه اجتماعی زنان دارد و در این نگاه عام نگرانه همه عناصر رفتاری را بالاخره در عرصه جامعه و در راستای شکل‌دهی یک موقعیت اجتماعی می‌داند، لذا تمامی رویدادهای فرهنگی، سیاسی، علمی و اقتصادی مربوط به زنان در ذیل جایگاه اجتماعی جای گرفته است. با توجه به تعاریف پیش‌گفته منظور از جایگاه زنان در این تحقیق؛ محل و موقعیتی است که زن در محیط اجتماع خود، به واسطه نگاه دیگران یا عملکرد خود پیدا می‌کند.

ادریسیان

سلسله ادریسیان (۱۷۲-۳۶۹ ق/ ۷۸۸-۹۸۵ م) به همت ادریس بن عبدالله از نوادگان امام حسن علیه السلام و با حمایت خودجوش قبایل بربر در منطقه دور افتاده مغرب اقصی و در محدوده کشور مراکش فعلی بنا نهاده شد. دولت ادریسیان به عنوان اولین حکومت شیعه مذهب، عمر ۲۰۰ ساله خود را در سال ۱۷۲ هجری شروع کرد. در این میان توفیقات زیادی به دست آورد و در عرصه‌های مختلف، پیشرفت‌ها و خدمات متنوعی را به ثبت رساند که برخی از آنها برای اولین بار بود که در منطقه افریقای به وقوع می‌پیوست.

پیشینه تحقیق

در نگارش‌های معاصر پیرامون دولت ادریسیان عنوان مستقل مربوط به زن وجود ندارد، هرچند تحقیقات متعددی پیرامون عنصر زن در حکومت‌های و حالات دیگر به رشته تحریر در آمده است همچون «زنان خاندان عصر تیموری، نوشته خانم لیلا محمدی» اما نزدیک‌ترین محتوا به مقاله حاضر «دولت ادریسیان: تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی» و «بررسی وضعیت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و

۱. آلن بیرو، فرهنگ علوم اجتماعی، باقر ساروخانی، تهران: کیهان، ۱۳۶۶، ص ۳۷۱.

اداری ادیسیان» هستند که در برخی فصول خود به تناسب مباحثی پراکنده و غیر مستقیم پیرامون زنان کرده اند که معمولاً مربوط به زنی به نام کنزه یا فقط منحصر در بیان نام سازنده مسجد قرویین و وصف آن مسجد است. از دیگر منابعی که کمی تناسب با موضوع زن در محتوای آن وجود دارد «گونه شناسی فضاهای باز عمومی مدینه در دو شهر فاس و مکناس» است که نویسنده آن با تکیه بر مشاهدات میدانی، فضاهای باز موجود در فاس قدیم را بررسی می‌کند. در بخشی از مقاله یکی از فضاهای باز تحت عنوان فضای باز همسایگی را مطرح می‌کند. معماری و ساخت چنین محیطی حکایت از تفکر مذهبی برای حفظ حریم زنان در جامعه آن روز را دارد. همچنین «فرهنگ و تمدن اسلامی در مغرب (دوره ادیسی و جایگاه تمدنی ادیسیان)» نیز به بخشی از جایگاه اقتصادی و سیاسی زنان به صورت ضمنی در کنار بررسی تمدن ادیسی پرداخته است. متأسفانه منابع معاصر بیشتر به هویت سیاسی و مذهبی ادیسیان پرداخته و آن دسته که به فرهنگ و اقتصاد ورود کرده اند، توجهی به عنصر زن در این بین نداشته‌اند.

منابع تحقیق

منابع کتابخانه‌ای مراجعه شده در این تحقیق به سه لایه تقسیم می‌شوند. گروه اول منابعی هستند که به صورت تخصصی به بررسی حکومت ادیسیان یا موضوعی خاص در احوال پایتخت آنان - شهر فاس - پرداخته‌اند. نگاشته‌های نویسندگان معاصر به طور عموم از این دست می‌باشد چرا که با پیشرفت علم، ابعاد و متغیرهای بیشتری را در این دوره مورد کنکاش و تحلیل قرار داده‌اند و از کلی‌گویی‌هایی که مقتضی وسعت محدوده زمانی و مکانی است، پرهیز کرده‌اند.

قسمت دوم مربوط به منابعی است که تاریخ را در عرض جغرافیایی بزرگتر از حکومت ادیسیان و در بازه زمانی فراتر از دوره آنان به تصویر می‌کشند؛ مثلاً ممکن

است چند حکومت موفق در مغرب را بررسی کنند یا در محدوده زمانی قرون اولیه هجری حکومت‌های علوی را به عرصه مقایسه بیاورند.

لایه سوم از منابع مراجعه شده در تحقیق، اصطلاحاً منابع عمومی می‌باشند که بیشتر مربوط به کتاب‌های دسته اول و کتب تاریخ تمدن، جغرافیا یا کتب مربوط به جهانگردانی می‌باشد که کمتر محصور در زمان و مکان خاصی بوده‌اند و در بین فصول کتاب‌هایشان به ادیسیان نیز اشاراتی دارند.

در ادامه به بررسی چند نمونه از منابع استفاده شده در هر لایه از منابع تحقیق می‌پردازیم:

یکی از منابع لایه اول متعلق به محمد بن جعفر کتانی است که با عنوان «سلوة الانفاس و محاثة الاکیاس بمن اقبیر من العلما و الصلاحاء بفاس» به بررسی افراد شاخصی می‌پردازد که از زمان تأسیس در شهر فاس می‌زیسته و به خاک سپرده شده‌اند. کمتر پیش می‌آید که نویسنده به بررسی زندگانی زنی بپردازد و محتوای خاصی به دست دهد ولی در اثنای بحث از زندگانی مردان بزرگ آن مکان، اطلاعاتی خاص و نادر از جایگاه اجتماعی زنان در آن دوره را ثبت کرده است.

سعدانی عبداللطیف در «ادریس الامام منشیء دولة و باعث دعوة» فقط در چند مورد به وضعیت زنان در دوره پسا حکومت ادریس اول پرداخته و بیشتر بر زندگانی و احوالات وی، پیش و حین و پس از به حکومت رسیدن متمرکز بوده است.

نصر الله سعدون عباس، کتاب «دولة الأدارسة فی المغرب - العصر الذهبی ۷۸۸ - ۸۳۵ م» را با جزییات بسیار درباره حکومت ادیسیان به نگارش در آورده است. این کتاب به علت توجه بسیار به عناصر تمدنی در این دوره، مورد توجه و مراجعه بسیاری از نوشته‌های بعد از خود شده، لکن به عنصر زن در این دوره تلاشی توجهی نداشته و جز مواردی خاص در باب امور اقتصادی و زندگی قبیله‌ای، اشاره خاصی به

زنان نداشته و البته همچون اکثر منابع مربوط به ادیسیان، اشاراتی نیز به «کنزه» همسر ادیس اول داشته است.

از جمله منابع لایه دوم، کتاب «تاریخ و تمدن مغرب» نوشته حسین مونس است همچنین دیگر منابع حتی از عنوان آنان نیز می‌توان متوجه شد که تمرکز بر اموری دیگر به جز جایگاه اجتماعی زنان داشته‌اند همچون: «انیس المطرب بروض القرطاس فی اخبار ملوک المغرب و تاریخ مدینه فاس» نوشته ابن ابی زرع فاسی؛ «البیان المغرب فی اخبار الاندلس و المغرب» نوشته ابن عذرای مراکشی؛ «دوله التشیع فی بلاد المغرب» نوشته نجیب زیب (۱۴۱۳ ق)؛ «اعمال الاعلام (تاریخ المغرب العربی فی العصر الوسیط)» نوشته لسان الدین ابن الخطیب، تحقیق احمد مختار العبادی؛ «تاریخ تمدن اسلام» نوشته جرجی زیدان ترجمه علی جواهر کلام؛ «الاستقصا لاخبار دول المغرب» نوشته احمد بن خالد السلاوی الناصری.

در لایه سوم، کتب شناخته شده‌ای همچون: تاریخ الامم و الملوک، احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، مقاتل الطالبین و اخبارهم، العبر و دیوان المبتدأ، الکامل فی التاریخ و البلدان به چشم می‌خورد که به صورت گذرا از ادیسیان سخن به میان آورده و در احوالات آنان عمیق نشده‌اند، هرچند که باز هم محتوایی هم جهت با موضوع مقاله به دست داده‌اند.

جایگاه اقتصادی زنان

اقتصاد از مهمترین ارکان پیش برنده هر جامعه و جزو شاخصه‌های اصلی برای سنجش پیشرفت و پایداری آن است. بررسی اشتغال زنان از مسائل عصر جدید است. کوچک شدن خانواده، افزایش سطح دانش، بهبود وضع بهداشت و گسترش بحث‌های آزادی، زمینه ساز این امر بوده است.^۱ زن‌ها به عنوان یک عنصر پیش برنده

۱. مجید رضایی، اصول حاکم بر کار اقتصادی زنان از دید اسلامی، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال هفتم، بهار ۱۳۸۶، شماره ۲۵.

در محاسبات اقتصادی عصر جدید جایگاهی مختص به خود دارند. در گذشته در هر دوره و حکومتی به حسب موقعیت جغرافیایی، محصولات، دین و محدوده زمانی، زن بخش متفاوتی از صنعت و اقتصاد را به خود اقتصاد داده بود.

نقش زنان در اقتصاد

در آغاز حکومت ادریسیان صنعت خاصی - به اصطلاح امروز- در منطقه مغرب الاقصی وجود نداشت، با ایجاد شهر فاس و رونق بازار و تجارت و همچنین در پی پیوستن گروه‌های مختلف به ادریس ثانی، صنایع مختلفی برای پیشرفت اقتصاد این حکومت به وجود آمد. صنعت پوست و چرم سازی و فرش‌های مغربی و کفش‌های فاسی و صنایع فلزکاری، صنایعی بودند که توسط اندلسی‌ها به مغرب وارد شدند ولی به مرور زمان اصالت مغربی یافتند.^۱

سهم زنان از اقتصاد را فعالیت‌هایی در زیر مجموعه صنعت نساجی تشکیل می‌داد. سعدون عباس در «دوران طلایی ادریسیان» می‌نویسد: زن عنصر اصلی در صنعت نساجی بود و رنگ آمیزی توسط تکنسین‌هایی انجام می‌شد که از مواد معدنی خاصی استفاده می‌کردند. شهرت فاس در منسوج دوزی و رنگ آمیزی آنها به رنگ قرمز و ارغوانی مشهور بود.^۲ پیش‌تر برای زنان چنین حضوری در اجتماع، در این محیط دور افتاده و تازه تمدن یافته، سابقه نداشت چرا که چنین صنایعی به تازگی توسط اندلسیان وارد شده بود.^۳

۱. حسین مونس و حمیدرضا شیخی، ۱۳۸۴، تاریخ و تمدن مغرب، ج ۱، تهران: سمت، ص ۳۹۱.

۲. سعدون عباس نصرالله، دولة الأدراسة فی المغرب (العصر الذهبی ۱۷۲-۷۷۸/۸۳۵ م)، بیروت: دارالنهضة العربیة للطباعة و النشر، ۱۴۰۸ هـ-۱۰۸۷ م، ص ۱۴۲.

۳. حسین مونس و حمیدرضا شیخی، ۱۳۸۴، تاریخ و تمدن مغرب، ج ۱، ص ۳۹۱.

مشاغل مرتبط با زنان

یکی از صنایع نوظهور در مغرب اقصی دوره ادریسیان، صنعت صابون سازی بود.^۱ وجود چنین صنعتی دلالت بر مصرف کنندگانی می‌کند که بسیاری از آنان در داخل محدوده حکومت ادریسی بوده و حداقل بخشی از آن مصرف کنندگان را جامعه زنان تشکیل می‌داده‌اند. از وجود چنین صنعتی که احتمالاً رونق و دوام زیادی داشته دو استفاده می‌توان کرد: اول اینکه چنین ارتباطی بین تولید و مصرف می‌تواند جایگاه آنان را به عنوان خریدار یک صنعت بهداشتی و به چرخه در آورنده این بخش از اقتصاد ادریسیان به عنوان مصرف کننده روشن سازد.

دوم اینکه استفاده از چنین محصولی، جلوه‌ای از رفاه و امکانات مالی زنان در این دوره را نمایان می‌کند.

صنایع متعدد دیگری نیز در دوره حکمرانی ادریسیان در حال فعالیت بودند که زنان نیز سهمی برای خود داشتند و مشاغلی نیز وجود داشتند که خود زنان در آن فعالیت داشته و در اداره و بقاء آن نقش داشتند. صنایع روغن کشی و صابون سازی در مکناس و صنایع پارچه بافی در تلمسان وجود داشت به طوری که پارچه مشهور تلمسانی (ترکیب پارچه و حریر) امروزه نیز مشهور است؛ و زنان مغربی در بخش پارچه بافی و رنگرزی نقش اساسی داشتند.^۲

کارآفرینی و فعالیت‌های اقتصادی زنان

در ایام یحیی بن محمد^۳ (حکومت ۲۳۴-۲۴۹ ق/ ۸۴۹-۸۶۳ م) گویی فاس بار دیگر دورانی طلائی را تجربه می‌کرد. مردم از سرزمین‌های دور به فاس می‌آمدند. از

۱. طیبه حاجی قاسمی، بررسی وضعیت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و اداری ادریسیان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود، پایان نامه کارشناسی ارشد، پاییز ۱۳۹۳، ص ۷۶.

۲. طیبه حاجی قاسمی، بررسی وضعیت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و اداری ادریسیان، ص ۷۶.

۳. یحیی بن محمد بن ادریس ثانی از حاکمان ادریسی است که سلسله ادریسیان در زمان حکومت وی شکوه فراوانی یافت و افتتاح اولین دانشگاه جهان اسلام توسط زنی به نام فاطمه در حکومت وی رخ داده است.

قضا میان کسانی که به فاس آمدند، زنی بود از مردم قیروان که او را فاطمه می‌گفتند. او دختر محمد الفهری بود. زنی توانگر بود و ثروت او همه موروث بود. می‌خواست آن را در راه خیر صرف کند، در عدوه^۱ القرویین بنای مسجد جامع را پی افکند.

در صحن این مسجد چاهی حفر کرد که آبی گوارا از آن بیرون می‌آمد و از آن پس چون مسجد امام ادریس را گنجایش نبود و نیز در همسایگی خانه او بود، نماز و خطبه را به این مسجد منتقل کردند.^۲ این مسجد به علت وجود کتابخانه در آن از همان روز تبدیل به یک مرکز علم و مطالعه شد و بی شک کهن ترین دانشگاه تاریخ اسلام است و دانشگاه الازهر ۱۱۵ سال بعد از آن ساخته شد.^۳

دو مسجد جامع در فاس، یکی در بخش قیروانی نشین آن و دیگری در بخش اندلس نشین ساخته شد. ساخت اولین مسجد - مسجد قرویین - در سال ۲۴۳ هـ/۸۵۷ م به همت همین زن آغاز گردید.

در ساخت این مسجد از کارگران زیادی استفاده شد و این را می‌توان نوعی کارآفرینی و مدیریت یک پروژه اقتصادی از سوی یک زن در آن زمان دانست چراکه گزارش‌های متعددی از توجهات و اعمال سلیقه‌های خاص و مذهبی وی در ساخت این مسجد وجود دارد.^۴ حتی بدون دانستن جزئیات ساخت و فعالیت‌های بانی آن، فقط با دانستن این نکته کلی که یک زن، مسجدی بزرگ در فاس ساخته، می‌توان وی

۱. عدوه معادل کلمه منطقه یا بخش است، در تقسیم بندی‌های کهن شهر فاس به دو بخش اندلسی نشین (عدوه اندلسیین) و قروی نشین (عدوه القرویین) تقسیم می‌شد.

۲. عبد الرحمن ابن خلدون (م ۸۰۸)، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران: انتشارات علمی فرهنگی، چ هشتم، ۱۳۷۵ ش، ج ۳، ص ۱۹. محمد بن جعفر کتانی، حمزه بن محمد طیب کتانی، عبدالله کامل بن محمد طیب کتانی و محمد حمزه بن محمد علی کتانی، ۱۳۸۵، سلوة الأنفاس و محادثة الأكياس بمن أقیبر من العلماء و الصلحاء بفاس. ج ۱، بیروت: دار الثقافة، ص ۹۲.

۳. حسین مونس و حمیدرضا شیخی، ۱۳۸۴، تاریخ و تمدن مغرب، ج ۱، ص ۳۶۳.

۴. علی بن عبد الله ابن ابی زرع و دیگران، ۱۸۴۳. الأنیس المطرب بروض القرطاس فی أخبار ملوک المغرب و تاریخ مدینة فاس. ج ۱، اوپسالا - سوئد: دار الطباعة المدرسية، ص ۳۰.

را به عنوان کارفرما و مجری یک پروژه بزرگ اقتصادی که نیازمند اشتغال نیروی انسانی زیادی می‌باشد، دانست.

جایگاه سیاسی زنان

در حکومت‌های گذشته‌ی تاریخ، قدرت در درون دربار متمرکز بود و کارها با مرکزیت حاکم به عنوان تصمیم‌گیرنده نهایی و قدرت مطلق پیش می‌رفت؛ اما در کنار این قدرت که عموماً در دست مردها بود، بالاخره کم و بیش زنانی در دربار وجود داشتند که در رخدادهای سیاسی زمان خود، بی‌تأثیر نبوده و جایگاه سیاسی خاص خود را داشتند. این جایگاه سیاسی یا حاصل عملکرد آنها بود یا حاصل جایگاه سیاسی که دیگران برای عنصر زن در عرصه سیاست قائل می‌شدند. در ادامه به بررسی جایگاه سیاسی زنان در دوره ادیسیان می‌پردازیم.

دخالت و نفوذ سیاسی کنزه

یکی از زنان تأثیرگذار در عصر ادیسیان «کنزه» نام دارد. او همسر ادیس اول و اهل مغرب است که پس از شروع حکومت ادیسیان در قبیله اوربه، به همسری وی درآمد. در بیان دخالت و جایگاه تصمیم‌سازی سیاسی کنزه، گزارش‌های پرشماری از تأثیرگذاری وی در یک تصمیم سیاسی بزرگ حکایت دارد. بعد از وفات ادیس دوم، فرزند و جانشین او - محمد بن ادیس - (حکومت: ۲۲۱-۲۱۳ ق/ ۸۳۶-۸۲۸ م) دست به اقدامی عجیب و نامعقول می‌زند. محمد بن ادیس به توصیه مادر بزرگش کنزه کشور را میان برادران فراوان خود تقسیم می‌کند.^۱ هر کدام از آنها والی ناحیه‌ای از حکومت ادیسیان شدند.^۲

۱. حسین مونس و حمیدرضا شیخی، ۱۳۸۴، تاریخ و تمدن مغرب، ج ۱، ص ۳۶۰؛ محمد بن محمد ابن عذاری، ۱۹۸۲ م، بیان المغرب فی اخبار الاندلس و المغرب، ج ۱، بیروت: دار الانتفاه، ص ۲۱۱، محمود اسماعیل، ۱۴۰۹، الأدرسة فی المغرب الأقصى (۱۷۲-۳۷۵ ه) حقائق جدیدة، ج ۱، ص ۸۶. کویت: مکتبة الفلاح؛ حسن سانحی، ۱۴۰۶، الحضارة الإسلامية فی المغرب، ج ۱، مغرب: الدار الثقافیة للنشر، ص ۱۶۲.

۲. محمد بن جعفر کتانی و دیگران، ۱۳۸۵. سلوة الأنفاس و محادثة الأکیاس بمن أقر من العلماء و الصلحاء بفاس، ج ۱، ص ۸۹.

در بیان نفوذ سیاسی کنزه، جان احمدی در مقاله خود می‌نویسد: بربرهای اوربه از زمان ترور ادریس اول تا آغاز حکومت ادریس دوم با اتکا به پیوستگی خونی و نژادی با کنزه - مادر او - زمام ملک را به دست گرفته و در طی این سال‌ها به اداره حکومت ادریسی پرداختند.^۱ در این میان دخالت منسوبان کنزه در امور حکومت ادریسیان از آنجا بر ما روشن می‌شود که ابن خلدون، مرگ کنزه در سال ۲۱۳ ق را از عوامل قدرت حاکم ادریسی وقت - محمد بن ادریس - دانسته است و می‌نویسد: ادریس دوم در سال ۲۱۳ بمرد و پس از او پسرش محمد بن ادریس به وصیت او به امارت رسید. در این ایام جدۀ او کنزه نیز بمرد و مرگ او از عوامل قدرت او بود. محمد بن ادریس کشور پدر را میان برادران خود تقسیم کرد و آنان را در پادشاهی خود شرکت داد.^۲

نفوذ سیاسی کنزه به همین جا ختم نمی‌شود. گزاره‌های تاریخی جلوه‌ای دیگر از جایگاه سیاسی زن در این دوره را روشن می‌کند، داستان از این قرار است: هنگامی که محمد بن ادریس، سومین حاکم ادریسی در منصب خود می‌نشیند، نقاط مختلف کشور را بین برادران بزرگ خود تقسیم می‌کند و خودش در مرکز فاس به حکومت می‌نشیند.^۳ دیگر برادران و ولیعهدان حکومت ادریسی به علت کم بودن سن و سالشان برای حکومت، تحت تکفل جدۀ خود، کنزه باقی می‌مانند.^۴ واگذاری ولیعهدان بلند مرتبه کشور به کنزه نشان از نفوذ و وزانت سیاسی وی دارد. بخصوص که خانواده‌های مادری این آقازادگان معمولاً از ذی‌نفوذان یا سران خود دولت ادریسیان بوده و مادران خودشان نیز حاضر و ناظر در دربار ادریسی بودند.^۵

۱. فاطمه جان احمدی و آرمین دخت امین، عوامل جغرافیایی و سیاسی مؤثر بر مکان‌گزینی پایتخت ادریسان در فاس، فصل نامه مطالعات تاریخ اسلام، سال دهم، شماره ۳۸، پاییز ۱۳۹۷، ص ۱۸.

۲. عبد الرحمن ابن خلدون (م ۸۰۸)، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران، ج ۳، ص ۱۷.

۳. علی بن عبد الله ابن ابی زرع، ۱۸۴۳، الأنیس المطرب بروض القرطاس فی أخبار ملوک المغرب و تاریخ مدینة فاس، ج ۱، ص ۲۸.

۴. غازی خزعل، دولة الادارسة، نشریه رساله التقرب. ربیع الثانی - جمادی الثانی ۱۴۲۲ - العدد ۳۲، ص ۱۸۳.

۵. اسماعیل ابن الاحمر، بیوتات فاس الکبر، دار المنصور للطباعة والوراقه - الرباط. ۱۹۷۲، ص ۱۸، سعدون عباس نصرالله، دولة الادارسة فی المغرب (العصر الذهبي ۱۷۲-۷۷۸/۲۲۳-۸۳۵ م)، ص ۱۱۸.

فعالیت‌های کنزه در حمایت از ادریسیان

قبل از تولد ادريس ثانی، پدرش به دسیسه بنی عباس دچار می‌شود و دارفانی را وداع می‌گوید، اما حکومت ادریسیان پابرجا می‌ماند. کنزه مادر ادريس ثانی کمر به پشتیبانی و رسیدگی به امور فرزندش بسته و نقش سیاسی مهمی در معادلات آن روز ایفا می‌کند. البته در کنار وی شخصی به نام راشد - غلام ادريس اول - نیز به بقای حکومت و تربیت حاکم کوچک ادريسي کمک شایانی کرد.^۱ غیر از حمایت‌های مادی و معنوی، کنزه نقش مهمی در تأمین امنیت و حفاظت از جان این حاکم ادريسي داشت چرا که اغالبه که ژاندارم عباسیان در منطقه مغرب بودند تلاش زیادی برای از میان برداشتن وی به خرج داده و از هیچ توطئه‌ای فروگذار نکردند. کنزه امور تغذیه ادريس ثانی را از خوف مسموم شدن وی زیر نظر داشت و هنگامی که دشمنان از رسیدن به حاکم ادريسي بازماندند به امور غیر مستقیم و شایعه سازی علیه ادريسیان پرداخته و تلاش‌هایی در این مسیر انجام دادند.^۲ نقش آفرینی سیاسی کنزه در این برهه، شکوفایی و طول عمری با برکت را در سال‌های آتی برای حکومت ادريسي به ارمغان آورد.

از جمله آثار مهم ادريسیان در مغرب، ظهور نقش زنان در جامعه مغرب بود و بهتر است جایگاه کنزه-همسر ادريس اول و مادر ادريس ثانی- را فراموش نکنیم. وی به تربیت و پرورش فرزندش اهتمام می‌ورزید، در تمام طول زندگی ادريس دوم در کنارش بود، به وی مشاوره می‌داد و او را به خیر او و رعیت، راهنمایی می‌کرد. او راهنما و الهام‌بخش خط و مشی سیاسی حکومت ادريسیان حتی در دوران پادشاهی نوه هایش - پسران ادريس دوم - بود. وی الگویی نمونه برای زنان مراکشی بود که آرزو داشتند از او در تربیت فرزندان خود تقلید کنند. او در اصالت، بربر بود.^۳

۱. سعدون عباس نصرالله، دولة الأدراسة في المغرب (العصر الذهبي ۱۷۲-۲۲۳/۷۷۸-۸۳۵ م)، ص ۹۲.

۲. سعدون عباس نصرالله، همان، ص ۹۴.

۳. سعدون عباس نصرالله، دولة الأدراسة في المغرب (العصر الذهبي ۱۷۲-۲۲۳/۷۷۸-۸۳۵ م)، ص ۱۳۷.

استفاده سیاسی از ازدواج دختران، جهت جلب وفاداری زیردستان

ادریس ثانی پس از استقرار در قبیله اوربه و رونق گرفتن امور، عمیر بن مصعب را که از بزرگان عرب و مردی با پشتوانه بود، وزیر خود قرار داد و جایگاهی نیکو به او عطا کرد و یکی از دختران خودش به نام عاتکه را به همسری وی در آورد.^۱ این رفتار نوعی جلوه سیاسی نیز دارد و در موارد متعددی پیش از این در حکومت‌های دیگر نیز سابقه داشت که نسبت فAMILI از طریق انتقال یکی از فرزندان دختر، در کنار نسبت‌های کاری ایجاد می‌شد تا اهدافی همچون جلب رضایت، جلوگیری از خیانت‌های احتمالی و بهبود عملکرد و ... تأمین شود. چنین معامله سیاسی با عنصر زن، هرچند ممکن است امروزه پسندیده نباشد و عنوان منفی اجتماعی - استفاده ابزاری - به خود بگیرد، لکن در آن زمان سنتی متداول بود و در واقع نشان از جایگاه سیاسی راهگشای این دختران برای پیشبرد اهداف سیاسی حکومت و پیشرفت کشورشان داشت. وقتی که ادریس اول بدون عیال به مغرب رسید، قبیله اوربه دختری از قبیله خودشان را به ازدواج وی در آوردند. هنگامی که ادریس بن عبد الله بدون جانشین در گذشت، همسرش از او باردار بود.^۲ شاید همین امر باعث پا بند شدن ادریس اول در اوربه و عدم انتقال به مکانی مستقل شده بود.

نقش دختر علی بن عمر ادریسی در به حکومت رسیدن پدرش

در لابه‌لای گزاره‌های تاریخی مربوط به نسل سوم حاکمان ادریسی (سال ۲۱۳ هجری به بعد) قضایای طول و درازی از انتقال قدرت بین فرزندان محمد و عمر وجود دارد که مربوط به پس از ۱۰۰ سالگی حکومت ادریسیان می‌باشد. یک زن در این داستان جایگاه نقش اول سیاسی را به عهده دارد.

۱. اسماعیل ابن الاحمر، بیوتات فاس الکبر، ص ۱۳.

۲. طیبه حاجی قاسمی، بررسی وضعیت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و اداری ادریسیان، ص ۶۲.

محمد بن ادیسی بن ادیسی (حکومت: ۲۱۳-۲۲۱ ق/ ۸۲۸-۸۳۶ م) به عنوان سومین حاکم ادیسی پس از تکیه بر قدرت، قلمرو خود را میان ۶ برادرش تقسیم کرد و خود در پایتخت حکومت کرد، این اقدام موجب اختلاف سیاسی داخلی و حتی لشکرکشی و کشتار بین تعدادی از برادران شد.^۱

بعد از چندین سال، نوه محمد به نام یحیی (حکومت: ۲۴۹-۲۵۲ ق/ ۸۶۳-۸۶۶ م) مدت کوتاهی به تخت نشست. از گزاره‌های تاریخی این طور به دست می‌آید که وی سیاست مداری و توانایی‌های عمومی برای حکومت را از پدرانش به ارث نبرده بود و تمایلات مذهبی کمی از خود نشان می‌داد. سال‌ها پیش پدرانش با کفار و خوارج می‌جنگیدند ولی مدت‌ها بود که برادران و عمو زادگانش به جان هم افتاده بودند و در واقع شیعه با شیعه می‌جنگید و ماهیت مذهب کمرنگ شده بود.

سر انجام در پی این انحرافات که یحیی دچار شراب و زنبارگی شده بود، روزی در عدوة القرویین به حمام زنانه وارد شد و قصد زنی را کرد، مردم بر او شوریدند و او به عدوة الاندلسیین گریخت و در آنجا مرد.

همسر یحیی که دختر علی بن عمر بود و منطقه صنهاجه را تحت ید خود داشت، بلافاصله بعد از مشاهده شرایط و با توجه به هلاک شدن همسرش به پدر خود نامه می‌نویسد و وی را از اوضاع با خبر می‌سازد. علی بن عمر با لشکر خود به فاس وارد شد و به این ترتیب حکومت از فرزندان محمد به عمر منتقل می‌شود.^۲

۱. محمد بن محمد ابن عذاری، ۱۹۸۲ م، البیان المغرب فی اخبار الاندلس و المغرب، ج ۱، ص ۲۱۱.

۲. محمد بن محمد ابن عذاری، همان، ج ۱، ص ۲۱۵.

برخورد سیاست مداران ادیسی با زنان

جلوه‌ای دیگر از جایگاه سیاسی زنان، در بازخوانی رفتار سیاستمداران با زنان نمایان می‌شود. پیش از این بیان داشتیم که جایگاه زن، شکل گرفته از دو پارامتر عملکرد وی و رفتار دیگران با وی می‌باشد.

کتانی در وصف ادیسی اول می‌نویسد: «خداوند از او راضی باشد، در تصرفاتش ملازم حق بود. جزیه و زکات اموال را سالانه طبق منوال شرع می‌گرفت، سپس آن را برای مستحقش از جمله ضعفا و زنان بیوه و ایتم خرج می‌کرد».^۱

نصرالله در بیان پشتیبانی کلی حکومت ادیسی از زنان بیوه چنین می‌نویسد: «اما از جهت اجتماعی، امامان ادیسی مثل رعایا زندگی می‌کردند و این به خاطر آگاهی از حال معیشت و سلامت مردم بود. این سیاستمداران به ایتم و زنان بیوه که همسرانشان در جنگ از دست رفته بودند، سر می‌زدند، به آنها دلداری می‌دادند و برای این مساکین به مثابه پدر بودند، به آنان هدایا و عطیایایی پیشکش می‌کردند و همچنین آنان را به صورت سری یا آشکارا به انواع مختلفی مساعد می‌کردند تا از دردشان کاسته شود و عزمشان راسخ گردد».^۲

ابن ابی زرع درباره محدوده زمانی بعد از بنای فاس و منتقل شدن حکومت به آن، با توجه به رونق گرفتن امور و زیاد شدن متقاضیان زندگی در فاس، درباره همدلی حکومت داران ادیسی با زنان و خانواده‌های مهاجرشان این‌گونه می‌نویسد: «گروهی از اهل قرویین به همراه جمع کثیری از زنان و فرزندان‌شان نزد ادیسی (ثانی) آمدند و وی آنان را در اطراف خود در عدوة القرویین جای داد. در بین آنان زنی با برکت و صالح بود به نام فاطمه با کنیه ام‌البینین، دختر محمد فهري قیروانی که همراه خواهر و

۱. محمدبن جعفر کتانی و دیگران، ۱۳۸۵، سلوة الأنفاس و محادثة الأكياس بمن أقر من العلماء والصلحاء بفاس، ج ۱، ص ۷۵.

۲. سعدون عباس نصرالله، دولة الأدراسة في المغرب (العصر الذهبي ۱۷۲-۲۲۳/۷۷۸-۸۳۵ م)، ص ۱۱۸.

همسرش از افریقیه آمده بودند». ^۱ حکایت مذکور نیز نمایش دهده جلوه‌ای دیگر از نرمی و کنشگری مثبت حاکمان ادیسی نسبت به عنصر زن بود که با کمی تسامح می‌تواند بخشی از جایگاه اجتماعی عنصر زن در دوره ادیسیان را روشن کند.

با نگاهی دقیق‌تر به احوال بنیان‌گذار سلسله ادیسی - ادیس بن عبد الله - گزاره‌ای منفی در تعامل با زنان نیز یافت می‌شود. ادیس اول پیش از تأسیس حکومت و بعد از شکست در قیامی که با برادرانش علیه عباسیان به پا کرده بود، در همان حال نزار در حالی که جزو معدود زنده ماندگان قیام بود به سمت حجاز و حج رفت و سپس در پوشش حجاج مغرب به آنجا گریخت. « ادیس در آن حال به حجاز رفت بعد از آنکه خانواده و مالش را در مدینه به حال خود وا گذاشت». ^۲ بعد از حکومت وی نیز گزارشی مبنی بر اینکه برای انتقال و دستیابی به اهل و عیالش تلاشی کرده، وجود ندارد و قطعا آنان در حکومت ادیس حضور نداشته‌اند، اگر داشتند، گزارشی از همسر وی و انتقال قدرت به فرزندانش وجود می‌داشت.

نگاه عموم جامعه به حکومت زنان

ادیس اول با یک غلام به نام راشد به مغرب آمد که شناخت و همکاری وی کمک زیادی به حکومت ادیس کرد. بعد از کشته شدن ادیس اول، راشد تلاش زیادی برای بقای حکومت کرد. وقتی ادیس در گذشت یکی از کنیزان ادیس به نام کنزه حامله بود. راشد با سران قبایل توافق کرد که منتظر بمانند تا کنزه فرزندش را به دنیا آورد. چنانچه فرزند او پسر بود همو امیر آنان باشد. فرزند پسری متولد شد. او را به نام پدرش ادیس می‌نامند و با وی که هنوز طفلی در گهواره است، بیعت می‌کنند. ^۳

۱. علی بن عبدالله ابن ابی زرع، ۱۸۴۳، الأیسی المطرب بروض القرطاس فی أخبار ملوک المغرب و تاریخ مدینة فاس، ج ۱، ص ۳۰.
 ۲. سعدون عباس نصرالله، دولة الأدراسة فی المغرب (العصر الذهبی ۱۷۲-۱۷۷۸/۲۲۳-۸۳۵ م)، ص ۶۶.
 ۳. حسین مونس و حمیدرضا شیخی، ۱۳۸۴، تاریخ و تمدن مغرب، ج ۱، ص ۳۵۵؛ عبد الرحمن ابن خلدون (م ۸۰۸)، العبر، ج ۳، ص ۱۶؛ محمد بن محمد ابن عذاری، ۱۹۸۲ م، البیان المغرب فی اخبار الاندلس و المغرب، ج ۱، ص ۲۱۰.

نکته‌ای که می‌توان از دل این گزاره‌ها مورد دقت قرار داد، عدم توجه سران حکومت و دیگران به ظرفیت خود این زن است که می‌تواند اوضاع امور را با همدلی قبیله خود سامان بخشد و حکومت را از فروپاشی نجات دهد چرا که یکی از علل استقبال بربرها از ادريس، نیازشان به یک رهبر و ایجاد کننده اتحاد بود. حال که این حکومت شکل گرفته بود، می‌توانستند زنی از خودشان که یادگار ادريس را نیز به همراه دارد، برگزینند تا اداره حکومت را به دست گیرد و به کمک او اقتدار و اتحادی که در آرزویش بودند را به دست بیاورند.

عدم توجه به ظرفیت این زن بعد شناخت موفقیت‌های آینده وی در مدیریت امور و نفوذ سیاسی در دربار با شدت بیشتری به عنوان یک نقص در فرهنگ عمومی مردان ادريسي در نگاه به حکومت زنان به چشم می‌آید.

این نقص در نگرش، هنگامی روشن تر می‌شود که چنین شرایطی را با شرایط مشابه در حکومت‌های شبه قاره هند مقایسه نماییم. در چند دوره زمانی مختلف، افکار عمومی هند شاهد به حکومت رسیدن زنانی از خاندان سلطنتی بودند و به این اتفاق عادت کردند و البته حماسه‌ها و افسانه‌های زیادی از موفقیت این زنان در حکومت و مبارزه با استعمارگران وجود دارد. پس تصمیم می‌توانست چیز دیگری غیر از آنچه در مغرب اتفاق افتاد، باشد.

هنگامی که ادريس فوت شد، زنی حامله از خود به جای گذاشت. با فرزند در شکم مادر بیعت کردند^۱ و راشد اداره امور را به دست گرفت.^۲ در ذهن تصمیم گیرندگان اصلا تفکری مبنی بر حکومت زنی از خودشان وجود ندارد و به راحتی از کنار آن می‌گذرند.

۱. محمد بن جعفر کتانی و دیگران، ۱۳۸۵. سلوة الانفاس و محادثة الاكياس بمن اقبّر من العلماء و الصالحاء بفاس، ج ۱، ص ۷۳، ابن خلدون، عبد الرحمن بن محمد ابن خلدون، ۱۳۶۳، العبر، ج ۳، ص ۱۶.
 ۲. محمد بن محمد مشرفی، الحلل البهية في ملوك الدولة العلوية و عد بعض مفاخرها غير المتناهية. ج. ۱، ص ۲۲۲، مغرب: وزارة الأوقاف والشؤون الإسلامية؛ ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبين، ص ۴۰۹، تحقیق سيد احمد صقر، بيروت دارالمعرفة، بی تا.

جایگاه فرهنگی - اجتماعی زنان

چند همسری در حکومت ادریسیان

در گذشته همسر گزینی مردان متفاوت از امروز بود و مردان به طور عمده چند همسر و یا کنیز داشتند و این موضوع از قبح امروزی برخوردار نبود. مصادیق چند همسری در حکومت ادریسان، روشن کننده بخشی از فرهنگ همسر گزینی و نگاه جامعه عصر ادریسی به عنصر زن است.

برای وزیر ادریس اول (عمیر بن مصعب) سه زن شمرده شده است.^۱ عمر ابن ادریس هنگام مرگ دو زن به نام‌های زینب و رباب داشت. هنگام مرگ ادریس اول یکی از کنیزانش به نام کنزه حامله بود.^۲ از چنین عباراتی می‌توان دریافت که کنیزان دیگری نیز وجود داشتند و زنان کنیز در فرهنگ ادریسی جایگاهی برای نزدیک شدن به پادشاه داشتند.

ازدواج‌های هدفمند با زنان

بسیاری از عهدنامه‌ها یا صلح و همکاری‌ها در فرهنگ‌های اولیه یا در فرهنگ‌های نزدیک به قبیله گری با جابجایی یک دختر از خاندانی به خاندان دیگر، شکل گرفته و پایدار می‌ماند. جایگاه بی بدیل زن در ایجاد پیوند بین دو قوم یا دو شخص، نقش مهمی در نشان دادن حسن نیت و تعهد به عدم خیانت در آینده داشت. این پیوند در راستای پیش برد اهداف متنوعی شکل می‌گرفت که در بخش بعدی به طور مفصل به آن خواهیم پرداخت اما در این بخش به واریسی تعدادی از ازدواج‌های رخ داده در تاریخ ادریسیان می‌پردازیم که احتمال برنامه ریزی شده بودن آنان وجود دارد و

۱. اسماعیل ابن الاحمر، بیوتات فاس الکبر، ص ۱۳، سعدون عباس نصرالله، دولة الأدارسة فی المغرب، ص ۱۱۸.
 ۲. خزعل غازی، دولة الادارسة، نشریه رساله التقریب. ربیع الثانی - جمادی الثانی ۱۴۲۲ - العدد ۳۲ (isc)، ص ۱۸۰.

دخترانی که در این بین رد و بدل شدند با هدفی خاص تن به این وصلت دادند یا به همسری انتخاب شدند.

ازدواج «کنزه بربری» با ادريس اول در منطقه «ولیلی» و میان قبیله «اوربه» باعث شد قبیله اوربه در سال‌های بعد تبدیل به حامی ادريس شود و حکومت را از خود دانسته و همچنین تا زمانی که ادريس اول زنده بود، خارج کردن حکومت از اوربه به صورت جدی کلید نخورد و اختلافات داخلی احتمالاً به قدری کم بود که در تاریخ انعکاس پیدا نکرده است و بیشتر در محدوده زمانی مذکور نشانه‌هایی از اتحاد و هماهنگی به چشم می‌خورد.^۱

یکی دیگر از مصادیق ازدواج‌های زنان در فرهنگ حاکم بر عصر ادريسيان، ازدواج ادريس ثانی با زنی آزاده است که مادر «محمد بن ادريس» حاکم بعدی ادريسيان می‌باشد. وی از خانواده‌های صاحب نفوذ و از اشراف نفزه بود.^۲ «ادريس ثانی» دختر خود عاتکه را به عقد «عمیر بن مصعب» وزیر در آورد،^۳ سال‌ها بعد محمد پسر ادريس و رقه نوه عمیر نیز با هم ازدواج کردند.^۴

از دیگر موارد، ازدواج عمر بن ادريس از حاکمان اولیه ادريسيان با دختر قاسم جعدی است.^۵ سال‌ها بعد ازدواج یحیی بن محمد حاکم وقت ادريسيان با دختر «علی بن عمر» رخ داد که منجر به آن شد که حاکم بعدی ادريسيان همین علی بن عمر باشد.^۶

۱. سعدون عباس نصرالله، دولة الأدراسة في المغرب (العصر الذهبي ۱۷۲-۲۲۳/۷۷۸-۸۳۵ م)، ص ۹۲.

۲. محمد بن جعفر کتانی و دیگران، ۱۳۸۵. سلوة الأنفاس و محادثة الأكياس بمن أقیبر من العلماء والصلحاء بفاس. ج ۱، ص ۸۹.

۳. اسماعیل ابن الاحمر، بیوتات فاس الکبیرا، ص ۱۳، ص ۱۱۸.

۴. علی بن عبدالله ابن ابی زرع، ۱۸۴۳. الأنیس المطرب بروض القرطاس فی أخبار ملوک المغرب و تاریخ مدینة فاس. ج ۱، ص ۲۹.

۵. محمد بن جعفر کتانی و دیگران، ۱۳۸۵، سلوة الأنفاس و محادثة الأكياس بمن أقیبر من العلماء والصلحاء بفاس. ج ۱، ص ۸۸.

۶. محمد بن محمد ابن عذارى، ۱۹۸۲ م، البیان المغرب فی اخبار الاندلس و المغرب، ج ۱، ص ۲۱۲.

بررسی اهداف نهفته در ازدواج زنان دوره ادیسی

ادیسیان پس از استواری امور در فاس و گسترش خاندانشان، با مردم درآمیختند و با آنها پیوند خویشاوندی برقرار ساختند و به صورت شهروند واقعی درآمدند.^۱ از این طریق بیش از پیش با مردم پیوند ایجاد کردند و این یک خویشاوندی بود که کمتر شکسته می‌شد و در دل‌ها می‌نشست.

بسیاری از ازدواج‌ها از لایه عموم مردم فراتر می‌رفت و با هدف جلب حمایت قبایل مختلف بربر صورت می‌گرفت. خوشبختانه نسل ادیسیان بسیار زیاد بود و بیشتر ازدواج‌هایشان با دختران قبایل صورت می‌گرفت. از این رو، شمار ادیسیان در هر ناحیه‌ای فزونی گرفت و با قبایل در هم آمیختند.^۲

استحکام دولت از دیگر اهداف این ازدواج‌ها بود. جلب حمایت سایر قبائل باعث استحکام دولت ادیسیان شد. ازدواج‌های مصلحتی ادیسیان ثانی با زنان قبایل بزرگ بربر تضمینی برای بقای خود و جلب حمایت آنها بود.^۳

ادیسیان از ازدواج دختران خود با مردان دیگر قبایل نیز جهت تأثیر عمیق و کسب موفقیت سیاسی و اجتماعی بهره می‌بردند. مورخان فقط از مردها سخن گفته‌اند و از زنان سخنی به میان نیاورده‌اند؛ اما بدون شک دختران خاندان ادیسی نیز با قبایل و مردان آنها ازدواج‌هایی داشته‌اند. تأثیر عمیق و دیرپایی که ادیسیان در مغرب داشتند که در واقع یک تأثیر مدنی-دینی بود به همین عامل باز می‌گردد.^۴

با توجه به نوپا بودن حکومت و غریب بودن اصالت عرب ادیسیان در بین بربرهای مغرب، آنان نیاز زیادی به پای کار آوردن بربرها به شکلی که حکومت را از

۱. حسین مونس و دیگران، ۱۳۸۴، تاریخ و تمدن مغرب، ج ۱، ص ۳۷۰.

۲. حسین مونس و دیگران، ۱۳۸۴، تاریخ و تمدن مغرب، ج ۱، ص ۳۷۷.

۳. طیبه حاجی قاسمی، بررسی وضعیت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و اداری ادیسیان، ص ۶۷.

۴. حسین مونس و دیگران، ۱۳۸۴، تاریخ و تمدن مغرب، ج ۱، ص ۳۷۹.

خود بدانند، داشتند. بربرهای اوربه از زمان ترور ادريس اول تا آغاز حکومت ادريس دوم با توجه به عواملی چون ازدواج و نیز با اتکا به پیوستگی خونی و نژادی با کنزه مادر او، زمام ملک را به دست گرفته و در طی این سال‌ها به اداره حکومت ادیسی می‌پرداختند.^۱

خصوصیات شخصی برخی زنان

از جمله زنان شاخص عصر ادیسی، کنزه بود، طبق یکی از اقوال وی برده‌ای بربری الاصل بود که از ادريس اول بچه دار شد. قول دیگر این است که وی دختر عبدالمجید اوربی امیر قبیله اوربه بود.^۲ وی دارای زیبایی و نیکی بود و همچنین باحیایی و با کمالاتی وی مشهور است. در عقل و دین کامل بود و تابع کتاب خدا و سنت سیدالمرسلین بود. ضریح وی در زاویه زرهونیه فاس در کنار قبر همسرش ادريس است.^۳

کنزه مادر ادريس ثانی اولین زن مسلمانی بود که در تأسیس، متحد کردن و ساماندهی یک کشور در مغرب نقش داشت. وی بزرگترین زن در عصر خود بود و ادريس اول پیش از مشورت با وی اقدام به کاری نمی‌کرد.^۴

از دیگر زنان عصر ادیسی، فاطمه قیروانی است. وی مؤسس اولین دانشگاه در عالم متمدن است و کسی است که جامع قرویین را در سال ۲۴۵ هجری بنا کرده است.^۵ وی زنی مؤمن و در امور شرعی محتاط و برحق الناس حساس بود. در ساخت مسجد قرویین به خاک زمین مسجد اکتفا کرد و محدوده مسجد را از کسی

۱. فاطمه جان احمدی، عوامل جغرافیایی و سیاسی مؤثر بر مکان‌گزینی پایتخت ادیرسان در فاس، ص ۱۸.

۲. همان قبیله‌ای که در اوایل کار با ادريس اول همراه شد و از وی پشتیبانی کرد.

۳. محمدبن جعفر کنانی و دیگران، ۱۳۸۵. سلوة الأنفاس و محادثة الأكياس بمن أقبر من العلماء و الصلحاء بفاس. ج. ۱، ص ۷۴.

۴. حسن سانحی. ۱۴۰۶. الحضارة الإسلامية فی المغرب. ج. ۱، ص ۱۶۲. دار البیضاء - مغرب: الدار الثقافیة للنشر.

۵. همان.

که بر آن دست داشت، خریداری کرده بود. وی از روز شروع ساخت مسجد تا پایان آن، روزه بود و هنگام اتمام کار به نشانه شکر در آن نماز خواند.^۱

جایگاه علمی و فکری زنان

فضای نیمه باز واحد همسایگی

از جمله فضاهای باز شاخص در بافت مدینه فاس، فضاهای نیمه باز مسقفی است که جلو درب اصلی خانه قرار دارد و در حکم فضای مشترک واحدهای همسایگی است. به طور مثال در انتهای کوچه، دو یا سه همسایه، محیطی بسته و مسقف را مشترک در جلوی درب خانه خود می‌سازند. یکی از کاربردهای این محیط حفظ حیا و عفت زنان هنگام جابجایی بین خانه‌های پر رفت و آمد است. این فضا گاهی با درب، گاهی بدون درب، از معبر فرعی جدا و بین چند واحد مشترک تعریف می‌شود. اغلب این فضاها گشایش‌هایی در دیوار به سان پنجره بدون شیشه و حفاظ دارند و همگی مسقف هستند.^۲

هندس‌ه حاکم بر فضا، می‌تواند به نیازهای مادی و به جنبه‌های فرهنگی و استعاری حاکم بر تفکر سازندگان اشاره داشته باشد. از آنجا که بافت فاس قدیم، به نسبت دست نخورده مانده و تحقیقات میدانی اخیر، یافته‌های عمومی خود را به طور مستقیم یا با کمی تسامح به دوره ادریسیان نسبت می‌دهند، لذا چنین تفکری در ساخت و معماری فاس در جهت ایجاد تسهیلاتی برای زنان را می‌توان روشن‌کننده وجهه‌ای از جایگاه فکری مربوط به عنصر زن دانست.

۱. علی‌بن‌عبدالله ابن ابی زرع، ۱۸۴۳، الأنیس المطرب بروض القرطاس فی أخبار ملوک المغرب و تاریخ مدینه فاس. ج ۱، ص ۳۰.
 ۲. شینا برنجی، گونه‌شناسی فضاهای باز عمومی مدینه در دو شهر فاس و مکناس، ص ۶، فصلنامه هنر و تمدن شرق، سال پنجم، شماره هفدهم، پاییز ۱۳۹۶.

مسئولیت پذیری و تفکر مذهبی برای ساخت مساجد

در ایام یحیی بن محمد دو مسجد جامع در فاس - یکی در بخش قیروانی نشین آن و دیگری در بخش اندلس نشین - ساخته شد. ساخت اولین مسجد - مسجد فروبین - در سال ۲۴۵ هـ/ ۸۵۹ م به همت ام البنین فاطمه دختر محمد فهری آغاز گردید. این مسجد به علت داشتن کتابخانه از همان روز اول تبدیل به یک مرکز علم و مطالعه شد و بی شک کهن ترین دانشگاه تاریخ اسلام است و مسجد الازهر ۱۱۵ سال بعد از آن ساخته شد.^۱

فاطمه زنی توانگر بود و ثروت او همه موروث بود. می خواست آن را در راه خیر صرف کند. در عده القرویین بنای مسجد جامع را پی افکند. این واقعه در سال ۲۴۳ بود. در صحن این مسجد چاهی حفر کرد که آبی گوارا از آن بیرون می آمد و از آن پس چون مسجد امام ادریس را گنجایش نبود و نیز در همسایگی خانه او بود، نماز و خطبه را به این مسجد نقل کردند. آنگاه منصور بن ابی عامر در بنای مسجد بیفزود و آب به آنجا کشید و سقاخانه ترتیب داد و بر بابا الحفاه زنجیر آویخت. چند تن دیگر از ملوک لموته از «موحدین» باز هم آن را توسعه دادند. «بنی مرین» نیز از روی همچشمی هر یک چیزی بر آن می افزود تا آنجا که بس وسعت گرفت و در تاریخ های مغرب شرح آنها آمده است.^۲

دو مسجد اولیه بعدها به صورت دو مسجد بزرگ جامع - که هنوز در دو طرف رود پا برجا هستند - در آمدند. گویی برای آن که تاریخچه مذهبی شهر، رنگ و بوی داستانی پریان به خود بگیرد، گفته می شد این دو مسجد با پولی که دو خواهر از

۱. حسین مونس، ۱۳۸۴، تاریخ و تمدن مغرب، ج ۱، ص ۳۶۳.

۲. عبد الرحمن ابن خلدون، (م ۸۰۸)، ترجمه محمد پروین گنابادی، العبر، ج ۳، ص ۱۹؛ محمد بن جعفر، کتانی، ۱۳۸۵. سلوة الأنفاس و محادثة الأكياس بمن أقر من العلماء و الصلحاء بفاس. ج. ۱، ص ۹۲.

خانواده الفهری فرستاده اند، ساخته خواهد شد؛ فاطمه - که مسجد قراوین را ساخته - و مریم - که مسجد الاندلس - را بر پا کرده است.

سرانجام مسجد قراوین به ویژه بسیار با شکوه و عظمت خواهد بود. این مسجد که در سال ۸۵۷ میلادی بنا شد، قدیمی ترین دانشگاه جهان معرفی شده است. درخشش فزاینده آن «شهر دو ساحل را» - نامی که عمومی بر فاس نهاده اند - به صورت مرکزی پرآوازه در خواهد آورد.

روایت زیر درباره این شهر گفته شده است: «اگر علم در مدینه به دنیا آمده باشد در مکه پرورش یافته باشد و در مصر شکل گرفته باشد، در فاس است که غربال و سره از ناسره جدا شده است»؛ و این بدان معناست که اهالی فاس نسبت به مسجد قراوین خود - این مرکز عالی دانش و معرفت - سخت احساس غرور می کنند.

طی قرن ها چهره های درخشانی در این مسجد تدریس کرده اند یا آموزش دیده اند. اساتید بزرگ الهیات، تفسیر، نجوم، منطق یا فقه بر روی کرسی ها یا با تکیه بر ستون های پر شمار مسجد - یا مدرسه های وابسته به مسجد - می نشستند و گرداگرد آنها حلقه طلاب و دانشجویان به سخنان آنان گوش فرا می دادند. یکی از دانشجویان کتابی می خواند و استاد آن را تفسیر می کرده است.

حضور در جلسات درس برای همگان آزاد بود و به دانشجویانی که مبانی علوم فوق را می آموخته اند، اجازه نامه ای از سوی استاد عطا می شده است. تنها در عصر سلاطین «بنی مرین» بود که پرداخت کمک هزینه ای به این اساتید آغاز شده است؛ اما اساتید بزرگ از دریافت این کمک ها به شدت خودداری می کرده اند زیرا معتقد بودند به استقلال رأی آنها خدشه وارد می سازد.

سوی «طلبا» - دانشجویان - به معنای واقعی کلمه که از نواحی مختلف مراکش یا دیگر کشورها می آمده اند و در حجره های کوچک مدرسه قراوین سکونت اختیار

می کرده‌اند، بسیاری از زائران و تجار که به کسب علم و معرفت علاقه داشتند و آن را وظیفه‌ی مذهبی می‌دانستند، بعد از نماز عصر در این جلسات درس شرکت می‌کرده‌اند. این سنت چنان رعایت می‌شده که کسبه و صنعتگران فاس در مقایسه با دیگر شهرها، جزء علما و دانشمندان محسوب می‌شده‌اند. این درخشش ویژه فاس بدون تردید از موقعیت شهر که بر سر چهارراهی پرآمد و شد قرار داشته، ناشی می‌شده است؛ قبل از هر چیز کلان شهری اقتصادی، تجاری و صنعتی بوده و نیز مرکز ملاقات‌ها و داد و ستد میان فرهنگ‌های مختلف شرق و غرب. گفته شده پاپ سلوستر دوم (از ۹۹۹ تا ۱۰۳۳ میلادی) در جوانی در این شهر اقامت داشته و در آنجا درس خوانده و نخستین کسی بوده که ارقام عربی را به اروپا وارد کرده است. ابن میمون، پزشک و فیلسوف یهودی نیز چند سالی در این شهر زندگی کرده و گفته شده در این سال‌ها در قراوین به تحصیل اشتغال داشته است. آثار ابن فیلسوف، تصویرگر شگفت‌انگیزی است از همزیستی فرهنگ یهودی-اسلامی که در اندلس حاکم بوده و پژواکی مشابه در فاس یافته است.

از میان چهره‌های بزرگ اسلامی از ابن عربی؛ دانشور، عارف، شاعر و فیلسوف مسلمان اندلسی (متوفی به سال ۱۲۴۰ میلادی)، مورخ و جهانگرد معروف ابن بطوطه، مورخ و جامعه‌شناس شهیر؛ ابن خلدون و ریاضی‌دان مراکشی تبار؛ ابن البنا یاد می‌کنیم.

مسجد قراوین و مسجد و مدرسه‌های اطراف آن مجهز به کتابخانه‌های پرباری بودند که در آنها دست‌نوشته‌های بسیار مربوط به علوم مختلف نگه‌داری می‌شد. از سویی مدرسین دارای کتابخانه‌های شخصی معتبری بودند. تا به امروز هر یک‌شنبه صبح در کوچه پس‌کوچه‌های اطراف دانشگاه، بازار دست‌نوشته‌هایی که در آنها می‌توان نسخه‌های کمیاب و ذیقیمتی یافت، به راه می‌افتد. فاس علی‌رغم نامالیمات سیاسی همچنان هویت خود را حفظ کرد و توسعه یافت. جانشینان ادریس دوم از سوی

موسی بن ابی العافیه، متحد فاطمیان بر کنار شدند. فاطمیان به نوبه خود از سوی امویان اندلس بر کنار شدند. دست نشانندگان مختلف این یا آن سلسله به برپایی یک مسجد و منازه و یک تنور در این دانشگاه اقدام کردند و برای هر یک از دو مسجد بزرگ، نمازخانه‌ای وسیع و یک «صحن» (حیاط درونی) ساختند.^۱

در دوران سلسله مرینی که بین سده سیزده تا پانزده میلادی در مراکش حکم فرمایی داشتند. مدرسه‌های مشهوری (مکتب‌های قرآنی) در اطراف این دانشگاه پا گرفت. نفوذ فکری و هنری و مذهبی شهر خیلی زود از مرزهای مغرب و شمال آفریقا فراتر رفت و از تمامی کشورها، بویژه از شرق، از کشورهای آفریقایی و اسپانیا، دانشجویانی برای تحصیل و کار نزد استادان برجسته به این دانشگاه می‌آمدند. ابن خلدون (تاریخدان)، ابن الیاسمین (ریاضی دان)، ابن رشد (پزشک) و شماری از زبان‌شناسان در همین دانشگاه تحصیل کرده‌اند.^۲

۱. طیبیه حاجی قاسمی، بررسی وضعیت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و اداری ادریسیان، ص ۸۶؛ فوزی اسکالی، فاس شهر مولای ادریس دوم، مجله مشکوه، بهار و تابستان ۱۳۷۷، شماره ۵۹ (isc)، ص ۲۵۵؛ حسن سانشی. ۱۴۰۶. الحضارة الإسلامية فی المغرب. ج ۱، ص ۱۷۰، مغرب: الدار الثقافیه للنشر.

۲. دارال ژنویو، لاگرانژ نیکلا، سرخوش نیکو، نشریه پیام یونسکو، خرداد ۱۳۷۶، شماره ۳۱۷، مدینه فاس؛ ساخت آینده برای حفظ گذشته، ص ۳۷.

نتیجه گیری

در دوره‌ی دولت اداریسی، ردپای زنان در عرصه عمومی فعالیت در زمینه ساخت مساجد، صنعت، مناسبات اجتماعی و... به چشم می‌خورد اما در تصمیمات سیاسی دولت مردان اداریسی و در عرصه سیاست، زن نقش آفرینی فراگیر نداشته است. زن به عنوان موتور محرک برخی صنایع، نقش آفرینی خاصی در عرصه اقتصاد داشت و در این زمینه جایگاه اجتماعی منحصر به خود به دست آورده بود. گزاره‌های فراوانی از نقش آفرینی زن در عرصه‌ی علم و فکر و همچنین در عرصه اجتماعی و فرهنگ وجود دارد که مصادیق متعددی از حوزه‌های ازدواج، ساخت و ساز مساجد و اولین دانشگاه جهان و معماری قابل ارائه است. از جهت دیگر برخورد دیگران و جامعه اطراف زن در این دوره، بررسی و تحلیل شد و به برخوردهای سیاسی و فرهنگی امیران اداریسی با عنصر زن و همچنین تفکرات دیگر مردم درباره زن پرداخته شد. به طور کلی جایگاه اجتماعی زن در این دوره با توجه به موقعیت زمان و مکان، فرهنگ و سطح جامعه، مترقی و رو به پیشرفت دانسته می‌شود.

فهرست منابع و مآخذ

۱. مونس، حسین و شیخی، حمیدرضا، ۱۳۸۴، تاریخ و تمدن مغرب، ج ۱. تهران: سمت.
۲. ابن خلدون، عبدالرحمن (م ۸۰۸)، ترجمه محمد پروین گنابادی، جلد ۸. تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
۳. ابن عذارى، محمد بن محمد، ۱۹۸۲ م، البيان المغرب فى اخبار الاندلس و المغرب، بيروت: دار الثقافة.
۴. كنانى، محمد بن جعفر، كنانى، حمزه بن محمدطیب و دیگران، ۱۳۸۵، سلوة الأنفاس و محادثة الأکیاس بمن أقر من العلماء و الصلحاء بفاس. بيروت: دار الثقافة.
۵. ابن الاحمر، اسماعیل، بیوتات فاس الکبرا، دار المنصور للطباعة و الوراقه، الرباط: ۱۹۷۲.
۶. اسکالی، فوزی، سرو قد مقدم، ابوالحسن، فاس شهر مولای ادیسی دوم، مجله مشکوه، بهار و تابستان ۱۳۷۷، شماره ۵۹.
۷. نصرالله، سعدون عباس، دولة الأدارسة فى المغرب (العصر الذهبى ۱۷۲-۲۲۳/۷۷۸-۸۳۵ م)، دارالنهضة العربیة للطباعة و النشر، بيروت: ۱۴۰۸ هـ-۱۰۸۷ م.
۸. جان احمدی، فاطمه و دخت امین، آرمین، عوامل جغرافیایی و سیاسی مؤثر بر مکان گزینی پایتخت ادیسیان در فاس، فصل نامه مطالعات تاریخ اسلام، سال دهم/شماره ۳۸/ پاییز ۱۳۹۷.
۹. برنجی، شینا، گونه شناسی فضاهای باز عمومی مدینه در دو شهر فاس و مکناس، فصلنامه هنر و تمدن شرق، سال پنجم/شماره هفدهم/ پاییز ۱۳۹۶.
۱۰. حاجی قاسمی، طیبه، بررسی وضعیت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و اداری ادیسیان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود، پایان نامه کارشناسی ارشد، پاییز ۱۳۹۳.
۱۱. ابن ابی زرع، علی بن عبد الله و دیگران، ۱۸۴۳، الأیسی المطرب بروض القرطاس فى أخبار ملوک المغرب و تاریخ مدینة فاس، اوپسالا، سوئد: دار الطباعة المدرسیة.
۱۲. سائحی، حسن، ۱۴۰۶، الحضارة الإسلامیة فى المغرب، مغرب: الدار الثقافیة للنشر.
۱۳. غازی خزعل، دولة الأدارسة، نشریه رسالة التقرب، ربیع الثانی-جمادى الثانی ۱۴۲۲-العدد ۳۲.
۱۴. اسماعیل، محمود، ۱۴۰۹، الأدارسة فى المغرب الأقصى (۱۷۲-۳۷۵ هـ) حقائق جدیدة، کویت: مکتبه الفلاح.